

## بخش اول - ضرب المثل های کاربردی زبان انگلیسی

نابرده رنج گنج میسر نمی شود	<b>no pains ,no gains</b>
خواستن توانستن است	<b>where there is a will there is a way</b>
اب در هاون کوبیدن	<b>he beats a dead horse</b>
پول علف خرس نیست	<b>money doesn' t grow on the tree</b>
نوش دارو بعد از مرگ سهراب	<b>after death the doctor</b>
خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو	<b>when you are in Rome,do as the Romans do</b>
او خیالات خام در سر دارد	<b>he builds castles in the air</b>
توانا بود هر که دانا بود	<b>knowledge is power</b>
پیمانہ اش پر شده است	<b>his days are numbered</b>
به هر جا بری آسمان همین رنگه	<b>all roads lead to Rome</b>
از آب گل الود ماهی گرفتن	<b>fish in troubled waters</b>
خشک و تر با هم می سوزند	<b>everyone is in the same boat</b>
دل به دریازدن	<b>take the plunge</b>
باد آورده را باد می برد	<b>easy comes,easy goes</b>
بی خبری خوش خبری است	<b>no news is good news</b>
شاهنامه آخرش خوش است	<b>all is well that ends well</b>
دو صد گفته چون نیم کردار نیست	<b>actions speak louder than words</b>
هر گردی که گردو نمی شود	<b>all that glitters is not gold</b>
دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است	<b>better late than never</b>
کوری که عصاکش کسی شود	<b>the blind leading the blind</b>

جوجه را آخر پاییز می شمارند	<b>don' t count your chickens before they' re hatched</b>
دیگ به دیگ میگه روت سیاه	<b>the pot calling the kettle black</b>
دندان اسب پیش کشی را نمی شمارند	<b>don' t look a gift horse in the mouth</b>
یک دست صدا ندارد	<b>many hands make light work</b>
کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد	<b>The shoemaker's wife goes the worst shod</b>
از دنده چپ برخاستن	<b>To get out of bed on the wrong side</b>
با یک گل بهار نمی شود	<b>One swallow does not make summer</b>
باد آورده را باد می برد	<b>Light come, light go</b>
نانش در روغن است	<b>His bread is buttered on both sides</b>
یک تخته اش کم است	<b>He is a button short</b>
به ساز کسی رقصیدن	<b>To dance to a person's tune</b>
حساب حساب است، کاکا برادر	<b>Bargain is bargain</b>
مثل خر در گل مانده	<b>Like a duck in thunderstorm</b>
نخود هر آشی بودن	<b>To have a finger in every pie</b>
دست و پا چلفتی است	<b>His fingers are all thumbs</b>
تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها	<b>There is no smoke without fire</b>
از چاه درآمدن و در چاله افتادن	<b>To fall from the frying pan into the fire</b>
مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد	<b>A burnt child dreads the fire</b>
آرامش قبل از طوفان	<b>After storm comes calms</b>
پا توی یک کفش کردن	<b>Harp on one string</b>

## بخش دوم - اصطلاحات کاربردی زبان انگلیسی

به چه منظور	to what end
باید به کارش ایوانه گفت.	You must hand it to him.
با صحبتهايت حالم را بهم ميزني.	You make me ill with your speech.
به جرأت ميتوانم بگويم ...	I dare say...
بپايد. ملتفت باشيد.	Mind your eye.
ببخشيد پشتم به شماست.	Excuse me back.
به شرافتم سوگند	upon my word
به حساب خودم	on my own account
(قيافه اش) به پدرش رفته.	He takes after his father.
به حال من فرقي نميکند...	It is all the same to me.
بدرد من نمي خورد.	It does not answer my purpose.
به تو چه؟	What is that to you?
بين خودمان باشد	Between you and me
بهمن مربوط نيست	It is not concern of mine.
آدم خوشمعامله شريك مال مردم است	Honesty is best policy.
به هيچ وجه نميدانم	I' m hanged if I know. / I' ll be hanged if I know.
باعث افتخار من است	I am greatly honored.
برو با همقد خودت طرف بشو	Pick on someone your own size.
بابا ايوانه!	I take my hat off to you. / take my hat off to
با دم شير بازي نکن	Don' t twist the lion' s tail.
برگ سبزي است تحفه ي درويش	A widow' s mite.

بگذارید نفسم جا بیاید	Let me gather my breath.
برحسب تقاضای...	at the instance of
سرت به کار خودت باشه. سرت تو لاک خودت باشه	Mind your own business.
بی حالم. بی حوصله ام	I am off color.
به دیگران نیکی کنید	Do good to others.
بجنبید. زودباشید	Snap into it.
بی ادبی و پررویی موقوف	None of your sauce.
بره به جهنم	The devil take him.
برو گم شو!	Clear out!
تا آنجا که به من مربوط می شود.	For all I care.
برو پی کارت!	Go along with you/get lost!
بارک الله!	Good show!
برو به جهنم!	Go to the devil!
بالادست ندارد.	He is second to none.
بنظر من...	It looks to me...
بسته به میل خودت است. هرطور میلтан است.	It is up to you.
بیخود نبود که...	It was not for nothing that...
به سلامتی شما. (هنگام نوشیدن)	Here' s to you.
بی رودربایستی	In a family way
پول که علف خرس نیست.	Money doesn' t grow on trees.
تا چه پیش آید.	It all depends.
تا جایی که در توان من است.	To the best of my ability.

تا خرخره گرفتار مشکل است.	<b>He is neck-deep in trouble.</b>
تا آنجا که من میدانم...	<b>For the best of my knowledge...</b>
با سیلی صورت خود را سرخ نگه داشته.	<b>He robs his belly to cover his back.</b>
تف بر این زندگی.	<b>Down this life.</b>
تا زندگی هست امید هست.	<b>While there is a while there is a hope.</b>
تا آنجا که چشم کار میکند.	<b>As far as the eye can reach.</b>
تا تنور گرم است نان را بچسبان.	<b>Strike while the iron is hot.</b>
صداقت بهترین سیاست است.	<b>Honesty is the best policy.</b>
توی باغ نیست.	<b>He is off the rails.</b>
نه خود خورد نه کس دهد، گنده کند به سگ دهد.	<b>Waste not, want not.</b>
تا نباشد چیزی کی مردم نگویند چیزها.	<b>There is no smoke without fire.</b>
تازه اولشه.	<b>This is only the beginning.</b>
تا نباشد چوب تر، فرمان نبرد گاو و خر.	<b>Spare the rod and spoil the child.</b>
توانا بود هر که دانا بود.	<b>Knowledge is power.</b>
تفرقه بنداز و حکومت کن.	<b>Divide and rule.</b>
جریان چیه؟	<b>What is all about?</b>
جلوی زبونت رو بگیر.	<b>Control your tongue.</b>
بزن به چاک.	<b>Buzz off.</b>
بفرمایید میل کنید. از خودتون پذیرایی کنید.	<b>Help yourself.</b>
بدجوری گیر کردم.	<b>I am in a rather hole.</b>
به غیرتم برخورد.	<b>My pride was wounded.</b>
بد هیچکس را نخواهید.	<b>Wish nobody ill.</b>

پایت را به اندازه‌ی گلیمت دراز کن.	<b>Cut your coat according to your cloth.</b>
پول حلال مشکلات است.	<b>Money talks.</b>
پای مرا وسط نکشید.	<b>Don' t involve me.</b>
پایش لب گور است.	<b>He is on his last leg.</b>
چارهای جز این ندارم.	<b>I have no choice but...</b>
بیخیالش!	<b>What do I care!</b>
چه خیال باطلی	<b>A fat chance</b>
چه نفعی دارد؟	<b>What is there in it?</b>
چرا در مجلس عروسی داشتی چشمچرانی میکردی؟	<b>Why were you feeding your eyes in the wedding party?</b>
چوب خدا صدا ندارد.	<b>The mills of God grind slowly.</b>
چقدر به شما بدهکارم؟	<b>How much do I owe you?</b>
چه پرویی!	<b>What cheek!</b>
چه باید کرد؟	<b>What is to do?</b>